

## هلال حقیقی خودکشی مارشال رومل

ترجمه: دکتر هادی خراسانی

بطوریکه خوانندگان اطلاع دارند چندی پیش راجع بخودکشی مارشال عامر شایعاتی منتشر گردید و از جمله بعضی از محافل اظهار عقیده نمودند که چون مارشال عامر راجع با سرار شکست مصر از اسرائیل اطلاعاتی داشته است که افشای آنها بضرر سرهنگ عبدالناصر رئیس جمهوری مصر بوده است ، لذا وی عامر را تحت فشار قرار داده او را وادار بخودکشی کرده است . اگر این شایعه صحیح باشد مرگ مارشال عامر بی شباهت بقوت مارشال رومل نیست زیرا وی نیز بعلت اختلاف نظر با هیتلر و اطلاع از اسراریکه افشای آن برای «فوهرر» خودش آیند نبود ، در نتیجه فشار هیتلر ناچار بخودکشی گردید .

بنابراین بی مناسب نیست ترجمه مقاله ای را که راجع با سرار مرگ رومل در شماره ۹ مجله «تاریخ برای همه» - Histoire pour Tous چاپ پاریس بقلم ژنرال «دسموندیانگ» - Desmond Young انگلیسی مؤلف کتاب شرح حال رومل منتشر گردیده برای اطلاع خوانندگان مجله و حیدرج نمایم .

پس از آنکه مارشال رومل در ماه مارس ۱۹۴۳ از آفریقای شمالی با آلمان مراجعت کرد ، رفته رفته اعتماد خود را نسبت به هیتلر از دست داد و پی برد که «فوهرر» حتی نسبت با شخصی که با فداکاری با او خدمت نموده اند ، صمیمانه رفتار نمیکند .

پی بردن باین حقیقت تلخ رومل را که مردی سلیم‌النفس و از ریزه‌کارهای سیاسی بدور بود و فقط بر موز جنگی آشنائی داشت، دچار دل‌سردی ساخت و ی‌کم کم باین نتیجه رسیده بود که روش هیتلر نه تنها احتمال پیروزی آلمان در جنگ را ضعیف ساخته است، بلکه کشور را بسوی شکست و نابودی سوق می‌دهد بدین ترتیب در تابستان سال ۱۹۴۴ رومل برای اولین بار توجه خود را بمسائل سیاسی معطوف داشت و از بررسی‌های خویش مانند بسیاری از اهرای ارتش آلمان نتیجه گرفت که هیتلر کشور را بسوی نابودی میکشاند و بنا براین باید بنحوی عملیات او را خنثی نمود.

یکی از طرفیکه برای نیل باین هدف مفید بنظر میرسید، دور ساختن مشاورین هیتلر از اطراف او و سلب اختیارات وی بود تا بدین ترتیب هیتلر فقط بعنوان رهبر تشریفاتی بدون آنکه واقعاً اختیاراتی داشته باشد در مقام خود باقی بماند. ولی مسئله مهم، عملی ساختن این نقشه بود.

اما قبیل از اینککه رومل بیش از این باین موضوع بیاندیشد و به نتیجه قطعی برسد، از طرف هیتلر بسمت فرماندهی لشکرهای «ب» منصوب گردید و برای انجام مأموریت خود در واً به ایتالیا و سپس بفرانسه عزیمت کرد و موقتاً توجه بوظائف نظامی، نقشه‌های سیاسی او را تحت الشعاع قرار داد.

### توطئه

در خلال این احوال رجال دیگری که نقشه‌های قطعی‌تری بر علیه هیتلر طرح ریزی کرده بودند، توجه خود را برومل معطوف داشته بودند. رهبری بر علیه هیتلر را دکتر «گوئردلر» (۱) شهردار لایپزیک و سرهنگ «بک» (۲) رئیس سابق ستاد ارتش به‌عهده گرفته بودند. بعقیده آنها برای اینکه این توطئه به نتیجه مثبت برسد، میبایستی شخص برجسته‌ای را پیدا کنند که در عین حال مورد اطمینان ملت و ارتش باشد و بتواند در موقع مقتضی رهبری نهضت را به‌عهده بگیرد و مردم اطمینان داشته باشند که محرك قیام او، منافع شخصی نیست. تنها افسر ارشد شاغلی که در آن موقع مورد اعتماد مردم و ارتش بود و حسن شهرت کامل داشت: مارشال رومل بود. میتوان گفت وی بعد از هیتلر معروف‌ترین شخصیت آلمان بشمار میرفت و بنا براین توطئه‌گران او را برای رهبری نهضت ضد هیتلری از هر لحاظ مناسب تشخیص داده بودند.

توطئه گران بوسیله دکتر «کارل اشتروالین» (۱) شهردار اشتوتگارت با رومل وارد مذاکره شدند. جلسه قطعی مذاکرات در اواخر ماه فوریه سال ۱۹۴۴ در منزل رومل واقع در «هرلینگن» (۲) تشکیل گردید و چندین ساعت بطول انجامید. «اشترالین» جریان مذاکرات این جلسه را بشرح زیر بیان نموده است:

«رومل دودله و مردد بنظر میرسید. من از او پرسیدم که آیا سلاحهای مخفی آخرین امکان پیروزی در جنگ را با آلمان نمیدهند؟ رومل پاسخ داد که او اطلاعی از چنین سلاحها جز آنچه در نشریه های تبلیغاتی خوانده است ندارد و اضافه کرد که بعقیده او از لحاظ نظامی دیگر امیدی برای پیروزی آلمان وجود ندارد. از رومل سؤال شد که آیا بعقیده او هیتلر از وخامت اوضاع آگاه است. رومل گفت «تصور نمیکنم. بهر حال هیتلر خود را با امیدهای واهی دلخوش نموده است». از رومل پرسیده شد که آیا میتواند از «فهرر» تقاضای ملاقات نموده و ذهن او را نسبت بجایق روشن ساخت. رومل جواب داد «من چندین مرتبه در این کار پیشقدم شده ام ولی به نتیجه نرسیده ام و باز هم حاضرم در این راه کوشش کنم ولی ستاد ارتش نسبت بمن ظنین است و نمیگذارد تنها با هیتلر مواجه شوم»

طبق اظهارات اشتروالین بالاخره در این جلسه تصمیم گرفته شد که رومل کوشش نماید که باردیگر با هیتلر ملاقات کرده او را وادار به پیروی از عقل و منطق نماید و اگر از این اقدام نتیجه نگرفت نامه ای باو بنویسد و دلائل عدم امکان پیروز شدن آلمان در جنگ را تشریح کند و اگر این اقدام هم به نتیجه نرسد، مستقیماً وارد عمل گردد.

رومل مدتی راجع باین مسائل فکر کرد و بالاخره گفت «تصور میکنم وظیفه من ایجاب میکند که کمک خود را از آلمان دریغ ندارم»

### توطئه گران وارد عمل میشوند

در ماه آوریل سال ۱۹۴۴ ژنرال اسپیدل (۳) که جزء دسته توطئه

- (1) Karl Strolin                      (2) Herrlingen  
(3) Speidel



اتلانتیک» مبالغه مینمود که حتی نیروهای متفقین را تحت تأثیر ادعای خود قرار داده بود. پس از پیاده شدن نیروهای متفقین رومل با سرسختی تمام برای راندن آنها بطرف دریا مجاهدت ورزید. او یک سر باز حرفای بود و هنوز اعتماد خود را نسبت بارتش آلمان کاملاً از دست نداده بود و نتیجتاً در تصمیمات و عملیات نظامی او هیچگونه تزلزلی مشاهده نمیگردید.

ولی ضمناً رومل مذاکراتی را که طی جلسه ماه فوریه ۱۹۴۴ با دکتر «اشترولین» بعمل آورده و تعهداتی را که پذیرفته بود، فراموش نکرده بود. وی در گزارشی که در ۱۲ ژوئن راجع باوضاع جنگ آلمان برای هیتلر فرستاد خاطر نشان ساخت که آلمان با مشکلات فوق العاده‌ای روبرو گردیده و برتری متفقین بخصوص از لحاظ نیروی هوایی امکان جلوگیری از شکافته شدن خط جبهه را بسیار ضعیف ساخته است.

رومل در روز ۱۷ ژوئن در شهر «سواسون» (۱) با هیتلر ملاقات کرد و پیشنهاد نمود که آلمان باید با تقاضای صلح بکند و یاری خط دفاعی در عقب رودخانه «لودن» (۲) تشکیل دهد و بالاخره در روز ۱۵ ژوئیه آخرین پیام خود را برای هیتلر فرستاد. ولی روز ۱۷ ژوئن قبل از اینکه پاسخی دریافت دارد در اثر تیراندازی هوایی متفقین بشدت مجروح گردید و در بیمارستان «وزینه» (۳) بستری شد.

با توجه بوقایع بعدی شاید بهتر بود که رومل در اثر جراحاتی که برداشته بود بدرود حیات میگفت. در حقیقت جراحات او با اندازه‌ای شدید بود که هر کس دیگر بجای او بود تلف میگردید ولی نیروی جسمی و روحی رومل بر جراحاتش غالب گردید و او را از مرگ نجات داد.

روز ۳۲ ژوئیه موقعی که بارون فن «ازبک» (۴) برای عیادت رومل وارد اطاق اودر بیمارستان گردید، مارشال که در کنار تخت خواب خود نشسته بود به محض دیدن «ازبک» گفت بسیار خوشحالم که شما هستید. میترسیدم دکتر باشد زیرا او مرا از نشستن منع مینماید و تصور میکند که بزودی خواهیم مرد ولی من بهیچوجه قصد مردن ندارم.

- (1) Soissons      (2) Lorne      (3) Vesinet  
(4) Eisebeck

خواهشمندم عکسی از من بگیریید تا انگلیس‌ها بدانند که موفق به کشتن من نشده‌اند. سپس رومل مدتی با «ازبک» راجع باوضاع وخیم آلمان و احتمال شکست خوردن آن کشور در جنگ صحبت کرد و بخصوص از ضعف نیروی هوایی آلمان ابراز تأسف نمود. ولی درباره توطئه‌ایکه بر علیه هیتلر ترتیب داده شده بود کلمه‌ای بزبان نیاورد. در روز هشتم ماه اوت رومل با وجود مخالفت پزشکان تصمیم گرفت بیمارستان را ترک کند و بمنزلش در «هرلینگن» منتقل گردد پس از اینکه بمنزل منتقل گردید تحت نظر دو نفر پزشک مشهور بنام «البرخت» (۱) و «استوک» (۲) که از استادان دانشگاه «توبینگن» بودند قرار گرفت. «البرخت» که متخصص جراحی مغز بود. پس از معاینه رومل گفت: «من باید دروسیکه میدهم تجدید نظر کنم. فکر نمی‌کردم کسی بتواند از چنین جراحاتی جان سلامت بدربرد...»

برخلاف آنچه انتظار میرفت، جراحات رومل با سرعت التیام پیدا می‌کردند و وی بتدریج نیروی خود را باز مییافت.

در خلال این احوال همسر رومل از اینکه هیچکس از رجال و امرای ارتش آلمان از شوهرش خبری نمی‌گیرند، دوچار تعجب شده بود غافل از اینکه از چندی قبل هیتلر بسبب نظریاتیکه رومل مکرر درباره احتمال شکست آلمان ابراز داشته بود، نسبت بوی‌ظنین گردیده و او را تحت مراقبت شدید قرار داده است.

واقعه سوء قصد بر علیه هیتلر مستمسک جدیدی برای تعقیب رومل بوجود آورد. توضیح آنکه در روز ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴ سوء قصدی بر علیه هیتلر بوسیله انفجار بمب بعمل آمد. ولی «فوهزر» از این حادثه جان سلامت بدر برد و بلافاصله توطئه‌گران تحت تعقیب قرار گرفتند و از جمله ژنرال «اشتولپناگل» برای ادای توضیحات ببرلن احضار گردید. روز بعد وی با اتومبیل بطرف برلن حرکت کرد. هیچکس نمی‌داند وی در چه موقع تصمیم بخودکشی گرفت. بهر حال او تصمیم خود را در نزدیکی «وردن» بمورد اجرا گذاشت بدین ترتیب که براننده خود دستور داد اتومبیل را در کنار کانال «موز» نگاه دارد و او را تنها بگذارد. آنگاه از اتومبیل پیاده شده، هفت تیر خود را بیرون آورده و

گلوله‌ای بمغز خود خالی کرد ولی تیر بخطا رفت و بجای اینکه او را بکشد صورتش را مجروح کرده و به‌شماش آسیب رسانید. راننده که صدای تیر را شنیده بود بطرف مجروح شتافته و او را که در کانال افتاده بود، از آب بیرون آورده و در حال بیهوشی به بیمارستان «وردن» رسانید. در نتیجه عمل جراحی یکی از چشمان مجروح بینایی خود را باز یافت. موقعیکه مارشال «اشتولپناگل» در حال بهوش آمدن بود چندین بار نام رومل را بزبان آورد. بنا باظهارات سرهنگ «ولوفکا ناک» (۱) در همان موقع جراح معالجه اشتولپناگل «فوراً با اداره کشتا پودر پاریس تماس گرفت و جریان را با اطلاع آنها رسانید. ولی طبق اظهارات «اشپیدل» «مورین» «اس اس» و کشتا پو قبلاً در کنار تخت خواب مجروح حاضر شده بودند. بهر حال مأمورین کشتا پو بطور مستقیم یا غیر مستقیم از جریان امر اطلاع حاصل کرده بودند و ژنرال اشتولپناگل «مسافرت خود را به برلن در معیت آنها ادامه داد و پس از رسیدن به برلن تحت بازجوئی و شکنجه قرار گرفت. هیچکس نمیدانده که آیا وی در این بازجوئی اسراری را فاش نمود یا خیر. ولی قبلاً در حال هدیان با اندازه کافی مطالبی را بروز داده بود. بهر حال پس از شکنجه او را محاکمه نموده و با اعدام محکوم کرده و بدار آویختند «اشپیدل» درباره او میگوید «وی مردی مشهور - صریح‌اللهجه و صحیح‌العمل بود...»

روز ۱۸ اوت مارشال فن کلوگه (۲) یکی دیگر از توطئه‌گران که برلن احضار گردیده بود نیز تصمیم با نتحار گرفت و با خوردن زهر بزندگی خود خاتمه داد.

(نا تمام)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی